



شماره ۴

برنامه چهارم

فهرست

۱- مناجات شروع

۲- بشارات درباره حضرت موعود

۳- تاریخ حیات مبارک حضرت اعلی

۴- نکته: اختراعاتی که دنیا را بهم نزدیک کرده است.

۵- لوح مبارک

۶- با دنیا آشنا شویم

هوالله

*

ای دلبر آفاق، شکر ترا که دیده بدید ارت روشن گردید و
 دل و جان از نَفحاتِ قُدْسَتِ غِبطهٔ گلزار و چمن شد، نَفحاتِ
 آنسُ مُرور یافت و نَفثاتِ رُوحِ الْقُدُسِ منتشر شد، جان بجانان رسید
 و دل راه بارگاه یافت و بسرِ مکنون و رمزِ مَصون آگاه شد .
 ای پروردگار، در صونِ حِمایتِ مَأوِیِ ده و در کُهَفِ عَنایتِ مَلْجَأِ
 و پناه بخش. ای مهربان، اگر بنوازی، جوهر وفا و حقیقت عطاست
 و اگر بگدازی، اهلِ خطا مُستوجبِ عَذابِ و حَفَاسَتِ . آنچه شایان
 آستانست رایگان فرما و آنچه لایقِ حَقَائِقِ است، ارزان کن .
 ذلیلی را بِصِرْفِ موهبتِ عزیز ملکوت فرما و حقیری را به نِهایتِ
 رَأْفَتِ مَظْهَرِ فیضِ لاهوت نما . ای پروردگار حفظ کن، صیانت فرما،
 تا قدم نَلْغَزِدَ و بِأَسْفَلِ دَرَجَاتِ نرسد . توئی مقتدر و عزیز و توانا
 و توئی عالم و بینا و دانا اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ .

ع ع

بشارات

خصائصی از حضرت موعود و اصحابشان و اوضاع زمان ظهور
 جمال قدم میفرمایند :

"دلیل و برهان دیگر که چون شمس بین دلائل مُشرق است
 استقامتِ آن جمال ازلی است بر امر الهی که با اینکه در سنِّ شَبَابِ
 بودند و امیری که مخالفِ کُلِّ اهلِ ارض از وضع و شریف و غنی و فقیر و
 عزیز و ذلیل و سلطان و رعیت بود با وجود این قیام بر امر فرمود
 چنانچه کُلِّ استماع نمودند و از هیچکس و هیچ نفس خوف ننمودند و
 اعتنا فرمودند آیا میشود این بغیر امر الهی و مشیتِ مثبتهٔ ربّانی ؟
 قسم بخدا که اگر کسی فکر کند و خیالِ چنین امری نماید نِی الْفُورِ هَلَاکِ
 شود و اگر قلبهای عالم را در قلبش جادوی بازجسارت بر چنین امر
 مهم ننماید مگر بِإِذْنِ الهی باشد" . ایقان ص ۱۷۹
 و نیز میفرمایند :

"و از جمله دلائل، ظهور غلبه و قدرت و احاطه‌ای که بِنَفْسِهِ از آن
 مَظْهَرِ وجود و مَظْهَرِ معبود در اکناف و اقطار عالم ظاهر شد چنانچه
 آن جمال ازلی در شیراز در سنهٔ سِتِّین ظاهر شد و کَشْفِ غِطَا
 فرمودند مَعْدَلِکِ باندک زمانی آثار غلبه و قدرت و سلطنت و اقتدار
 از آن جوهر الجواهر و بحر البهور در جمیع بلاد ظاهر شد . . . چه
 نفوس قدسیه را که جواهر عدل بودند به نسبتِ ظلم گشتند و چه هیاکل
 روح را که صرفِ علم و عمل از ایشان ظاهر بود بدترین عذاب هَلَاکِ

نمودند مَعَ كَلِّ ذَلِكْ هَرِيكَ اِزَّانِ وُجُودَاتِ تَادِ مَرِكْ بِذِكْرِ اللّٰهِ مَشْغُول
بودند. ود رهوای تسلیم و رضا طائر... ایقان ص ۱۸۲

در کتب احادیث اسلامی حوادث زمان ظهور کرار را روایت شده
که نمونه‌ای درج میگردد: از حضرت رسول (ص) روایت شده است.
" . . . بَيَّعْتُ اللّٰهَ رَجُلًا مِنْ عِزَّتِيْ اَهْلِ بَيْتِيْ يَمْلَأُ بِهِ الْاَرْضَ قِسْطًا
وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ بِهِ ظُلْمًا وَجَوْرًا . "

(خداوند مبعوث خواهد کرد مردی را از عزت و اهل بیت من که
بسبب او زمین را پر از عدل و داد خواهد فرمود) .

و نیز از آن حضرت روایت شده: " الْمَهْدِيُّ مِنْ اَهْلِ الْبَيْتِ يُخْتَمُ الدِّينُ
بِهِ كَمَا فُتِحَ بِنَا " (مهدی از اهل بیت ما است باو دین اسلام ختم
شود چنانکه بما شروع شد)

یحاراً الانوار جلد ۱۳ ترجمه محمد حسن ارومیه صفحه ۶۱۶ :

از حضرت صادق (ع) شنیدم میفرمود و قتیکه رأیت حق ظاهر گردد
همه اهل شرق و غرب بر آن لعنت میکنند .

ود رهمان صفحه: از آن حضرت شنیدم میفرمود که قائم در جنگها به
پاره‌ای شدتها دچار میشود که رسول خدا پمیل آن دچار نشده
زیرا که رسول خدا با خلائق مبعوث شد در حالی که برت هائی که از سنگ
و چوب ساخته بودند عبادت میکردند و در وقت ظهور قائم خلائق بر او
خروج میکنند و کتاب خدا را با اعتقاد باطل خود شان تاویل میکنند و
آنها در دست خود شان حجت نموده با آن حضرت می‌جنگند .

در صفحه ۱۱۶ این روایت آمده :

قائم به امر تازه و کتاب تازه و حکم تازه که بر عرب شدید است قیام
میکند .

++++ +++ +++

در چند سوره از سوره‌های قرآن کریم خداوند به ائمت اسلامی خطا
نموده و فرموده است:

" يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تَبْطُلُوا
أَعْمَالَكُمْ . . . " سوره محمد آیه ۳۳ .

" وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ " سوره محمد
آیه ۳۸ .

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند و فرستاده او پیروی کنید
و اعمال خود را باطل نسازید . . . و اگر پشت کنید و اطاعت نکنید
خداوند قومی جز شما (و بدل شما) ظاهر خواهد نمود (که پیروی
کنند) و مانند شما نباشند) .

در کتاب تفسیر صافی و تفسیر مجمع البیان که از مشهورترین تفاسیر
اسلامی است در ذیل آیه فوق تفسیری باین مضمون آورده :

عده‌ای از اصحاب رسول خدا گفتند یا رسول الله کیانند این قومی که
خداوند در قرآن ذکر نموده در آنوقت سلمان فارسی پیش رسول خدا
بود پس دست مبارک را بر شانه سلمان زد و گفت: این مرد و قوم او و
قسم به آن کسیکه جانم در دست اوست اگر ایمان منوط به (رفتن به

ستاره ۹) ثریا باشد مردانی از فارس بدان دست خواهند یافت .
 آیات دیگری نیز مانند ۱۳۳ سوره نساء ، ۱۹۰ سوره ابراهیم و ۵۴
 سوره مائده در قرآن کریم آمده است و در تمام این آیات از رسول اکرم
 در باره این قوم و محل ظهور آنها سوال شده و آن حضرت همان
 پاسخ قبل را فرمودند که : این قوم از نژاد فارس بوده و از فارس ظاهر
 میشوند .

همچنین در تفسیر صافی در
 در صفحه ۱۵۱ در ذیل آن آیه قرآنی این قوم را حضرت مهدی و
 اصحاب آن حضرت معرفی فرموده است .
 مُحِبِّي الدِّينِ اَعْرَابِيٌّ دَر كِتَابِ "فَتْوحَاتِ مَكِّيَّةٍ" نُوْشْتَهٗ اسْت: "وَهُمْ مِنْ
 الْاَعَاجِمِ لَيْسَ فِيهِمْ عَرَبِيٌّ لٰكِنْ لَا يَتَكَلَّمُونَ اِلَّا بِالْعَرَبِيَّةِ" (ایشان اصحاب
 قائم) همه عجم هستند و هیچ فرد عربی در بین آنها نیست اما همه آنها
 با زبان عربی تکلم میکنند)

همچنین در بحار الانوار از حضرت رسول (ص) نقل شده که آنحضرت
 فرمود (مضمون فارسی) : (هنگامیکه پرچمهای سیاه را از جانب خراسان
 دیدید که به پیش میآید و لئو اینکه با سینه خود روی برفها بخیزد بسوی
 آن بشتابید) مقصود قیام جناب ملا حسین میباشد که در قسمت تاریخ
 خواهد آمد .
 به ملاحظه آیات و احادیث و اخبار مذکور در مورد ظهور و آنچه در
 تاریخ امر واقع شده مطالب زیر بدست میآید :

- ۱- ظهور موعود در تاریخ معین و منتظر واقع شد (ظهور حضرت اعلی)
- ۲- ظهور موعود و ارتفاع ندای آنحضرت طبق روایات صحیحه از کشور
 مقدس ایران بود .
- ۳- خداوند برای پیشرفت امر حضرت موعود خلق جدیدی مبعوث
 فرمود تا بتوانند انواع صدمات و مخالفتها را تحمل کرده به نثار
 جان رضا دهند .
- ۴- حضرت قائم موعود نه فقط احیاء حقیقت قرآن کریم و سایر کتب
 مقدسه نمود بلکه با کتاب تازه و شرع جدید آمد .
- ۵- همین امر تجدید شریعت بود که موجب آنهمه صدمه دیدن از
 غافلان ارض گردید و شهادت آن حضرت و هزاران نفوس مؤمنه
 و تحت ستم قرار گرفتن بازماندگان ایشان را فراهم آورد و الا اگر
 مأموریت جدیدی نداشتند و بزعم بعضی از نویسندگان فقط
 برای احیاء شریعت محمدی صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ میآمدند نه تنها
 کسی با ایشان مخالفت نمیکرد بلکه شاید مورد عزت و احترام ناس
 نیز قرار میگرفتند .

چنانکه در کتاب ایقان جمال مبارک میفرمایند :

"و این امورات بدیعه سبب اختلاف ناس میشود بقسمی که جمیع علماء
 و مقها حکم برقتل آنحضرت و اصحاب او کنند و همه اهل ارض بر مخالفت
 قیام نمایند چنانکه در اکثر اماکن دم شریفشان ریخته شد و در هر

بَلَدِی ایشان را اسیر نمودند و به ولایات و شهرها گردانیدند و بعضی را سوختند و مَعْدُلُک هیچ نفسی نکر ننمود که اگر قائم موعود به شریعت و احکام قبل مبعوث و ظاهر شود دیگر ذکر این احادیث برای چه شده و چرا اینهمه اختلاف ظاهر میشود تا آنکه قتل این اصحاب را واجب دانند و اذیت این ارواح مقدسه را سبب وصول به معارج قرب شمرند".

ایقان ص ۱۹۰

x x x

تاریخ امر حضرت "ربّ اعلیٰ"

"... پس از سه روز همان جوان وارد محضر سید شد و نزد یک دَرجلوس نمود . بانهایت ادب و وقار درس سید را گوش میداد . بمحض اینکه چشم سید کاظم بآن جوان افتاد ، سکوت اختیار کرد . یکی از شاگردان خواهش نمود که بیان خود را ادامه دهد . سید باو فرمود : چه بگویم ؟ سپس بطرف آن جوان متوجه شده و گفت : "حق از آن نور آفتابیکه بزآن دامن افتاده است آشکارتر است . " من چون نظر کردم دیدم نور آفتاب بردامن آن جوان بزرگوار افتاده . دمرتبه آن شاگرد از سید پرسید : چرا اسم موعود را بما نمیگوئید و شخص او را بمانشان نمیدهید ؟ سید با انگشت خویش بگروی خود اشارت کرد ، و مقصودش این بود که اگر نام موعود را بگویم و شخص او را معرفی کنم فوراً " من واو هردو بقتل خواهیم رسید چیزیکه بیشتر بر حیرت من افزود این بود که مگر سید کاظم میفرمود : مردم بقدری گمراهند که اگر من موعود را بآنها معرفی کنم واو را بآنها نشان بدهم و بگویم محبوب من و شما اینست همه در مقام انکار برمیآیند واو را قبول نمیکنند . و با آنکه سید با انگشت خویش بدامن آن جوان اشاره کرد مَعْدُلُک هیچکس مقصود او را در این اشاره نفهمید . من کم کم دانستم که سید کاظم شخص موعود نیست . پیوسته درباره آن جوان فکر میکردم که کیست ؟ این همه جذا بیست و او از کجاست ؟ بارها خواستم از سید کاظم درباره

آنجوان چیزی بپرسم لکن وقار و جلالت سید مرا از سؤال باز داشت سید کاظم چندین مرتبه بمن فرمود: "ای شیخ حسن خوشا بحال تو که اسمت حسن است آغاز حالت حسن است عاقبت هم حسن است. بحضور شیخ احمد احسائی رسیدی و بامن مدتی را گذراندی در آئنده نیز بشادمانی بزرگی خواهی رسید و چیزی خواهی دید که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بقلب کسی خطور نکرده". بارها در صدق برآمدم که با آن سید جوان ملاقات کنم و از نام و نسبش جو یا شوم. چند مرتبه او را دیدم که در حرم سید الشهدا غرق مناجات و دعا بود بهیچکس نظری نداشت اشک از چشمانش میریخت و کلماتی در نهایت فصاحت از لسانش جاری میشد که بآیات شباهت داشت. میشنیدم که مکرر میگفت: "یا الهی و محبوب قلبی" حالت او بطوری بود که اغلب نمازگزاران صلات خویش را ناتمام گذاشته و بکلمات و بیانات آن جوان توجه مینمودند و از خُشوع و خُضوع او حیرت میکردند. گریه او سبب میشد که همه گریان گردند طرز زیارت و عبادت را از او میآموختند سید جوان پس از انجام اعمال یکسره بمنزل خود میرفت و باهیچکس تکلم نمیفرمود. چند مرتبه خواستم با آنحضرت مذاکره کنم بمحض اینکه نزدیک او میرفتم قوه ای نهائی مرا باز میداشت که وصف آنرا نمیتوانم گفت: بعد از جستجو و تفحص همینقدر دانستم که ایمن جوان از تجار شیراز است در جرگه علما داخل نیست. خودش

و اقوامش نسبت به شیخ احمد و سید کاظم نظری خاص دارند بعدها شنیدم که به نجف مسافرت کرده و از آنجا به شیراز خواهد رفت. آنجوان همیشه در نظر من بود علاقه شدیدی با او پیدا کرده بودم بعد از چندی که شنیدم جوانی در شیراز ادعای بابیت کرده به قلم گذشت که این همان جوان بزرگواری است که قبلا او را در کربلا دیده ام بعد از استماع ندا از کربلا به شیراز رفتم ولی آنحضرت به مکه سفر کرده بودند پس از اینکه مراجعت فرمود بحضور او مشرف شدم و پیوسته سعی میکردم که از ملازمین حضرتش باشم. (۱)

"دشمنان و مخالفین جناب سید کاظم رشتی پس از وفات آن حضرت، جانی تازه گرفتند و برای بدست آوردن ریاست، بجهد و جهد مشغول شدند زیرا تشنه ریاست بودند و تا جناب سید در این عالم بودند هیچکس اعتنائی بآن اشخاص ریاست طلب نداشت. بعد از وفات سید مرحوم مخالفینش جرأت و جسارت یافتند و بتفرقه اصحاب سید پرداختند. خود مدعی مقامات شدند و بتداریک ما فئات اقدام نمودند. شاگردان جناب سید از وفات آن بزرگوار اندوهگین و محزون بودند. طولی نکشید که جناب ملاحسین بشرویه ای از مسافرت اصفهان و خراسان که

بامرسید مرحوم رفته بودند به کربلا مراجعت فرمودند . . . شاگردان پربشان سید دور ملاحسین مجتمع شدند تا امیدی آنها بامیدواری تبدیل شد و همت گماشتند که از محبوب بی نشان نشانی بیابند . جناب ملاحسین بعد از پایان ایام سوگواری عده ای از شاگردان سید مرحوم را که دارای اخلاص بودند بنزد خویش خواندند ، و از آنها پرسیدند استاد بزرگوار ما در اواخر ایام چه وصیتی فرمود و آخرین نصیحتهای او چه بود در جواب گفتند که استاد بزرگوار نهایت تأکید را فرمودند و چند مرتبه بمان تکرار کردند که : بعد از وفاتش ترک منزل و خانمان گوئیم و در بلاد منتشر شویم ، بجستجوی حضرت موعود پردازیم و هیچ امری را بر این مسأله ترجیح ندهیم ، قلوب خود را از هر آلائشی پاک کنیم و از توجه بمقاصد دنیوی برکنار باشیم . میفرمود ظهور موعود نزدیک است خود را آماده کنید . حتی بمان فرمود : حضرت موعود الان در میان شماست . ظاهر و آشکار است میان شما و آن بزرگوار جابهای مانع است قیام کنید ، جستجو کنید ، تا حجب مانع را از میان بردارید و بدانید که تائیت خود را خالص نکنید و بدعا و مناجات نپردازید و استقامت را شعار خود نسازید بمقصد نخواهید رسید . جناب ملاحسین چون این بیانات را از شاگردان سید مرحوم شنیدند بآنها فرمودند : "با وجود اینهمه تأکیدات که از استاد بزرگوار شنیده اید پس چرا تا کنون در کربلا مانده اید و

به جستجوی حضرت موعود نپرداخته اید ؟ گفتند : "همه مامقصریم و اقرار و اعتراف بتقصیر خود داریم و شخص ترا صاحب رتبه عظیم و مقام عالی می شماریم . اینک هرچه بفرمائی ، اطاعت میکنیم حتی اگر خود را حضرت موعود معرفی کنی بی درنگ ادعای ترا قبول میکنیم . خلاصه هرچه بفرمائی حاضریم و بطاعت تو کمر بسته ایم ." جناب ملاحسین فریاد برآوردند و فرمودند : "ماه مه بنده آستان استغفر الله که من چنین ادعای داشته باشم ." (۱)

منابع مطالعه تکمیلی :

۱ - حضرت نقطه اولی

۲ - قرن بدیع (جلد اول)

نکته: اختراعاتی که دنیا را به هم نزد یک کرده است

نوشته: هوشنگ محمودی

در این قسمت از برنامه با اختراعاتی آشنا میشویم که وسیله مادی تحقق وحدت عالم انسانی هستند، زیرا دنیا بوسیله این اختراعات بهم نزدیک شده است. داستان اختراع این پدیده‌های نوظهور و سرگذشت مخترعین آن شنیدنی است و از نظر یک فرد بهائی باین دلیل که این اختراعات دنیا را بهم مربوط کرده و در حقیقت وحدت عالم انسانی را میسر ساخته، جالب است.

در الواح مبارکه در چند جا مضامینی باین معنی وجود دارد که کلیه اختراعات و پیشرفتهای بشر در صنایع و علوم از اثر این ظهور اعظم است چه که تاخورشید، سراز شرق برمیآورد، زمین اثمار و اسرار خود را بیرون میدهد.

"حضرت عبدالبهاء" میفرماید:

"... و در نزد اهل دانش و فضیلت این عصر از مورّخین و غیره محقق و مسلم است که مآثر این قرن از مفاخر پنجاه قرن انزون است و این قرن حکم آفتاب دارد و قرون سائره حکم نجوم این عصر نظیر بحر است و سائر اعصار بمثابه نهر. مثلاً اگر آثار و اکتشافات و معارف و صنایع و بدایع و فنون و علوم پنجاه قرن را با این قرن نورانی مقایسه کنی، البته فضاائل این قرن رحمانی بر مآثر جمیع قرون ماضیه افزونست. مثلاً اگر تالیفات و کتب قرون اولی بتماهیها و قرون وسطی

بأسرها و قرون اخیره بآجمعها جمع گردد، یقین است که تالیفات و صحائف این قرن عظیم افزون است و همچنین صنایع و بدایع و اکتشافات فنیّه و مشروعات مفیده و مدنیّت کامله و اتّسع افکار و ازدیاد نهم واد راک و ظهور اسرار کائنات و بروز حقائق ممکنات. این قضیه مسلم عموم است و کُل اقرار و اعتراف مینمایند، ولی از سبب حصول این علویّت و ظهور این فضاائل و موجد این ترقی و فلاح و نجات غافلند. انفسوس که برخوان نعمت حاضرند و از خوان سالار غافل، بحرکت فوق العاده ناظرند ولی از محرک ذاهل، و در این روضه غناه و حد یقه غلباء در نهایت شوق و شغف و انبساط ولی از باغبان بی خبر... (۱)

اینک میپردازیم به اختراعات مهمی که چهره عالم را دگرگون ساخته است. در این میان بذکر مخترع بزرگی مبادرت میکنیم که اختراعش به حضرت ربّ اعلیٰ مربوط میشود، زیرا نتیجه اختراعش درست همان شبی که حضرت اعلیٰ اظهار امر فرمودند در حضور صد هانفر در معرض نمایش قرار گرفت. این مخترع بزرگ "ساموئل، فین لی، بریز، مرس" Morse, Samuel. Finlay Brese نام داشت. مرس مخترع تلگراف برقی در ۲۴ ماه می ۱۸۴۴ اختراع خود را بنمایش گذاشت و همه میدانیم که بعثت ربّ اعلیٰ روح

(۱) بأسرها = بتمام و کمال

الوجود لِمَظْلُومِيَّتِهِ الْفِدَاءُ شب ۲۳ ماه می ۱۸۴۴ واقع شد. مرس اصلاً یک نقاش هنرمند بود و پدرش یک کشیش پروتستانی بود که یازده فرزند داشت، از جمله ساموئل مرس. دوران اولیّه فعالیت هنری هود را در انگلستان گذراند و نقاش مشهوری شد و بعلاّت شهرت بعنوان نقاش رسمی به ممالک متّحده آمریکا شمالی رفت، جائیکه متولد شده بود. مرس با اروپا بازگشت. باز در سال ۱۸۳۲ هنگامیکه چهل و یکساله بود عازم آمریکا شد. در این کشتی که "سولی" یعنی خورشید" نام داشت ضمن گوش دادن بسخنان شخصی بنام دکتر "جاکسون" و گفتگویی با او با الکتریسته آشنا شد و مطالبی درباره آن یاد گرفت. این مباحث او را باین فکر انداخت تا اصوات را بوسیله الکتریسته از سویی بسوی دیگر منتقل کند. در همان کشتی بود که در فکر خود، طرح اختراعش آماده شد. وقتی کشتی به بندر نیویورک رسید، مرس هنگام خدا حافظی با ناخدای کشتی، به او گفت: روزی خواهد آمد که شما اسمی از تلگراف که یکی از عجایب دنیا خواهد شد، خواهید شنید و در آن روز بیاد آورید که تلگراف در کتی مبارک شما، "سولی"، ابلاغ گردیده است.

مرس پس از بازگشت بوطن خود آمریکا، جّه شد در زمینّه نقاشی دیگر موقعیتی ندارد تا بتواند زندگی مرفّهی داشته باشد. این اتفاق در زندگی مرس معرر است.

"مرس" (خطاب بشاگردش): شما حقّ التعلیم مرا کی میدهید؟
شاگرد: تا هفته آینده امیدوارم تقدیم کنم.

مرس: در آن وقت من بد رود زندگی گفته‌ام و نمیتوانم از پول شما استفاده کنم.

شاگرد (باتعجب): چطور؟ شما تا هفته آینده خواهید مرد؟
مرس: تا هفته بعد گرسنگی مرا خواهد کشت.

شاگرد: خیلی ببخشید استاد فعلاً ده دلار کافی است؟

مرس (با خوشحالی): البته، کافی است. من با این پول یکماه زندگی میکنم.

+++ +++ +++ +++

با دنیا آشنا شویم

"لوئیس اچه وریا" رئیس جمهور سابق مکزیک و دبیر گل فعلی "مرکز مطالعات اقتصادی و اجتماعی جهان سوم" در شهر مکزیکو، در مقاله‌ای با عنوان "صلح، خلع سلاح و تکنولوژی" می‌نویسد:

"از دیدگاه ما، صلح صورتی است از خرد و مذاکره که به فعالیت از رآمده باشد، و دقیقاً از همین روشناختاین واقعیت که در این زمانه صلح نمی‌تواند صرفاً قرار رسمی متارکه جنگ باشد مطلبی اساسی است. از سال ۱۹۴۵ به بعد، هر قرار داد متارکه‌ای، هر موافقتنامه‌ای، هر معاهده‌ای، فقط پیش‌درآمد تحرک جدیدی در جهت مسابقه تسلیحاتی بوده و تکوین تکنولوژی نظامی را در عصر اتم سرعت بخشیده است. . . هزینه سالانه تسلیحات تقریباً برابر است با پدیه‌های خارجی کشورهای روبه توسعه (حدود ۸۰۰۰۰ میلیون دلار) که جمعیت آنها در حال حاضر بالغ بر ۷۵ درصد کل جمعیت دنیا است و تا پایان قرن به ۷۹ درصد خواهد رسید. این امری باور نکردنی است. . ." (۱) و در همان مقاله به نقل از سند منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد مورخ آوریل ۱۹۸۶ آمده است:

"از سه میلیون تن دانشمند و مهندسی که در ۱۹۸۰ در آزمایشگاه‌های علمی سراسر جهان به کار اشتغال داشتند، تقریباً نیم میلیون به تکوین سیستمهای تسلیحاتی جدید مشغول بودند." (۲)

هوالا بهی

ای بنده، حق، همتی بنما و دامنی بکمرزن و قصد مقامی بلند ترا ز افلاک نما. ای بنده، حق رخس سربیع حاضر، مید ان وسیع موجود، گوی سعادت در پیش و چوگان عنایت در دست. وقت جؤلان است و ربودن گوی از میدان. من آنچه شرط بلاغ است با تومی گویم. بشتاب، بشتاب، که وقت تنگ است و آهنگ مَطْرِب نزدیک به انتهای اگر در این بزم کف نرنزی، دَف نرنزی، آواز نخوانی، شهناز بلند نکنی، دیگر در چه زمان مَخْمُور و مَسْت گردی. وَاللَّهِ عَلَیْكَ .

طبق آمار منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد در کشورهای روبه توسعه جهان، هشتصد میلیون نفر در فقر مطلق به سر می‌برند، پانصد میلیون نفر در چهار سو تغذیه‌اند، میلیون‌ها نفر فاقد آب آشامیدنی سالم و درآمد لازم برای تأمین غذا هستند.

تعداد سلاح‌های هسته‌ای جهان به بیش از ۵۰۰۰۰ عدد تخمین زده شده است. قدرت انفجاری سلاح‌های هسته‌ای جهان تقریباً معادل یک میلیون برابر بمبی است که در "هیروشیما" منفجر شد و سیزده کیلوژن بازده آن بود. (x)

بر اساس مطالعه‌ای که اخیراً توسط سازمان ملل متحد در زمینه خلع سلاح غیراتمی شده، زرادخانه جهانی سلاح‌های غیراتمی شامل بیش از ۱۴۰۰۰۰ تانک رزمی اصلی، بیش از ۳۵۰۰۰ هواپیمای جنگی، بیش از ۲۱۰۰۰ هلی‌کوپتر بیش از ۱۰۰۰ ناو جنگنده مهم و بیش از ۷۰۰ زیر دریایی تهاجمی است.

حدود چهار پنجم کل هزینه‌های نظامی دنیا صرف سلاح‌های غیر اتمی و نیروهای مسلح می‌شود.

تعداد برخورد های مسلح با سلاح‌های غیر اتمی که از پایان جنگ جهانیگیر دوم رخ داده به حدود ۱۵۰ عدد تخمین زده می‌شود. تعداد کسانی را که در اثر این منازعات کشته شده‌اند به صورتی نسبتاً

(x) یک کیلوژن برابر است با هزارتن مواد منفجره متعارف با بازده بالا یا تی.ان.تی (T.N.T) یک مگاتن برابر است با یک میلیون تن T.N.T

دقیق نمی‌توان تخمین زد. ولی یک گزارش اخیر سازمان ملل متحد در زمینه خلع سلاح غیراتمی عدد تخمینی ۲ میلیون گشته را بدست می‌دهد. بخش عمده‌ای از هزینه‌های عمومی کشورهای توسعه یافته و رو به توسعه شامل هزینه‌های نظامی می‌شود. در هر دو مورد، این هزینه‌ها بطور متوسط برحدود ۲۰ درصد هزینه‌های دولتی بالغ می‌شوند. بر اساس برخی از تخمینها، هزینه نظامی در کشورهای توسعه یافته تقریباً با هزینه‌های عمومی در زمینه آموزشی یابهد است. در کشورهای روبه توسعه این هزینه معادل با سه برابر هزینه‌های بهداشتی و یک سوم بیشتر از هزینه‌های آموزشی است. بر اساس مؤشگرترین تخمین‌هایی که در دست است، هزینه نظامی جهان در ۱۹۸۳ به حدود ۸۰۰۰۰ میلیون دلار بالغ شد. این مبلغ معادل بیش از ۱/۵ میلیون دلار هزینه در هر دقیقه است. بر اساس قیمت‌های ثابت، این مبلغ بیش از دو برابر هزینه‌های سال ۱۹۶۰ و تقریباً چهار برابر ۱۹۴۹ است. بر این اساس، هزینه نظامی فقط ۱۵ روز و ۱۵ ساعت جهان معادل است با ۳۴۳۰۰ میلیون دلار که در تمام سال ۱۹۸۳ صرف کلیه کمک‌های عمرانی رومی در تمام کشورهای روبه توسعه شد. مطالعه‌ای که اخیراً از سوی سازمان ملل متحد انجام شده تأکید کرده است که، اگر روال خیرادامه یابد، هزینه نظامی جهان مدت‌ها قبل از سال ۱۹۹۰ به مرز ۱۰۰۰۰۰ میلیون دلار خواهد رسید، یا از آن هم

خواهد گذشت .

آنچه که کشورهای توسعه یافته صرف هزینه های نظامی می کنند معادل بیست برابر مبلغی است که به صورت کمک اقتصادی می پرد از نسد . هفتاد درصد هزینه های نظامی جهان توسط شش قدرت نظامی عمده ، پانزده درصد توسط بقیه کشورهای توسعه یافته و پانزده درصد باقیمانده توسط کشورهای روبه توسعه انجام میگیرد .

۱۰۰۰ میلیون دلار = ۲۸۰۰۰ شغل در بخش تولید و خدمات نظامی یا ۵۷۰۰۰ شغل در صنایع مصرفی شخصی ، یا ۷۱۰۰۰ - شغل در رشته آموزشی .

حد متوسط هزینه نظامی جهان برای هر سرباز ۲۰۰۰ دلار است . هزینه متوسط آموزش همگانی برای هر کودک که به سن مدرسه رفتن رسیده ۳۸۰ دلار است .

در جهان برای هر ۱۰۰۰ نفر ۵۵۶ سرباز ، ولی فقط ۸۵ پزشک وجود دارد . با صرف تنه های پنج هزینه های سالانه تسلیحاتی میتوان ریشه کن شدن گرسنگی جهانی را در سال ۲۰۰۰ تضمین کرد " (۳)

مآخذ : (۱) پیام یونسکو - شماره ۱۹۵ - شهریور ۱۳۶۵ (شماره مخصوص سال بین المللی صلح ۱۹۸۶) صفحه ۶ .

(۲) همانجا - صفحه ۷ (۳) همانجا - صفحه ۲۴

"درس عربی" ضمیمه برنامه شماره ۴
د رس چهارم :

۱- همچون درس قبل اینبار قسمت دوم لوح احمد را در کمال حوصله و وقت با استفاده از نوار و متن اعراب شده با ضمیمه بخوانید .

۲- قسمت اول لوح مبارک احمد را با اعراب صحیح به دفتر قواعد (از سمت چپ دفتر) منتقل کنید و چون باید معنی هر کلمه را به فارسی زیر آن بنویسید بنابراین لازم است اولاً کلمات را با فاصله و ثانیاً خط در میان بنویسید تا جای کافی برای ترجمه فارسی باشد .

توجه : اگر اعراب کلمات را با رنگ دیگر بگذارید ، بهتر خواهد بود .

۳- نکات ضمیمه را که مربوط به این قسمت لوح مبارک است (قسمت اول) و ضمیمه برنامه میباشد بعد از لوح احمد در دفتر قواعد ثبت کنید و سپس تمام معانی را حفظ کنید و معنی هر کلمه را زیر همان کلمه بنویسید و لوح مبارک را با توجه به آن ترجمه کنید .

۴- فراموش نخواهید فرمود که در پایان این مرحله از قواعد خوانده شده ، امتحان بعمل می آید .

قسمت دوم لوح مبارک احمد
" . . . قُلْ إِنَّهُ لَسُلْطَانُ الرَّسُلِ . . . كَذَلِكَ أَشْهَدُ نَاهُمْ إِنَّ أَنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ . . . "

لغات قسمت اول لوح احمد

هُوَ : او

أَلْ	: (حرف تعریف)
سُلْطَان	: پادشاه
عَلِيم	: دانا، دانشمند از صفات خداوند
حَكِيم	: دانا، دانشمند صاحب حکمت از صفات خداوند
هَذِهِ	: این است
وَرَقَةٌ	: کبوتر
فَرْدَوْس	: بهشت، باغ و بهستان
تَغْنَى	: آواز میخواند
عَلَى	: بر
أَفْتَان	: شاخه‌ها (مفرد: فَنَن)
سِدْرَةٌ	: درخت
بَقَاءٌ	: دوام، همیشگی، خلود
أَلْحَان	: آوازه‌ها، آوازهای خوش
قُدْسٌ	: پاک، پاکی، پاک و منزّه بودن
مَلِيحٌ	: نمکین
تُبَشِّرُ	: بشارت میدهد، مژده میدهد
مُخْلِصِينَ	: مفرد: مُخْلِصٌ، بمعنی دوست پاک و بی‌ریاست
إِلَى	: بسوی
جِوَارٌ	: همسایگی
مُوَحَّدِينَ	: مفرد: مُوَحَّدٌ، بمعنی یکتاپرست، خداشناس

سَاحَةٌ	: حضور، پیشگاه، حضرت
قُرْبٌ	: نزدیکی
كَرِيمٌ	: بخشنده، صاحب کرم، جوانمرد
تُخَبِّرُ	: خبر میکند
مُنْقَطِعِينَ	: مفرد: منقطع، بمعنی بریده و گسسته (از غیر حق)
هَذَا	: این
نَبَأٌ	: خبر
الَّذِي	: که، کسیکه
فُضِّلَ	: جدا شد
مِنْ	: از
مَلِكٌ	: پادشاه، صاحب ملک
عَزِيزٌ	: قادر، غالب، ارجمند، سخت
فَرِيدٌ	: یگانه، تنها، بیمانند
تَهْدِي	: هدایت میکند
مُجِيبِينَ	: مفرد: مُجِيبٌ، بمعنی دوستدار
مَقْعَدٌ	: محل برای نشستن (جمع: مَقَاعِدُ)
ثُمَّ	: سپس، پس
مَنْظَرٌ	: جای نگریستن و نظر انداختن
مُنِيرٌ	: نوردهنده، تابان، درخشان
قُلٌّ	: بگو

بزرگتر :	اَكْبَرُ
نوشته شده است :	سُطِرَ
صفحات، کتابها (مفرد : لوح) :	اَلْوَاحِ
فرستاده شده ، پیغام آور (از خدا) :	مُرْسِلٍ
باو :	بِهِ
جد امیشود :	يُفْصَلُ
حقیقت :	حَقٌّ
از :	عَنْ
ناحق ، یاوه ، بیهوده :	بَاطِلٍ
جد امیشود :	يُنْفَرُ
هر ، همه :	كُلِّ
فرمان ، حکم ، شأن ، کار :	أَمْرٍ
بد رستیکه ، همانا :	إِنَّ
هرآینه :	لَ
درخت (جمع : أشجار) :	شَجَرٍ
جان ، روان (جمع : أرواح) :	رُوحٍ
میوه آورد ، بارور شد :	أَثْمَرَ
میوهها (مفرد : ناکهه) :	فَوَاكِهٍ
بلند ، شریف ، بلند مرتبه :	عَلِيٍّ
دارای قدرت ، توانا :	مُقْتَدِرٍ

بزرگ ، امیر ، حاکم از صفات خداوند مُتَعَالٍ :	عَظِيمٍ
هان :	أَنْ
ای :	يَا
پس :	فَ
شهادت بده :	إِشْهَدُ
بد رستیکه :	أَنَّ
نیست :	لَا
معبودی :	إِلَهَ
بجز :	إِلَّا
مستولی ، غالب ، نگهبان (از اسماء الهی) :	مُهَيْمِنٍ
فرستاد :	أَرْسَلَ
بد رستیکه ما :	إِنَّا
همه :	كُلِّ
پس متابعت کنید :	فَاتَّبِعُوا
که ، کسیکه :	الَّتِي
فرض شده ، واجب شده :	فُرِضَتْ
نزد :	لَدُنْ

آفاق: کرانه‌ها، ناحیه‌ها — کشورها — کناره‌ها (مفرد: أَفُق) در اصطلاح عرفانی بمعنای عالم محسوس در مقابل انفس آمده که بمعنای عالم مجرد از ماده است

أَسْفَل: درجات: پائین‌ترین درجات

أَزَلِي: بی‌آغاز و بی‌انجام — قدیم — حقیقتی که همیشه بوده و هست
مثل خد اوند

إِسْتِمَاع: گوش دادن — شنیدن

إِذْن: اجازه — فرمان — رُخْصَت — اجازه دادن

أَكْنُاف: (مفرد: كَنْف) اطراف — گوشه‌ها — زوایا — کناره‌ها

أَقْطَار: (مفرد: قُطْر) ناحیه‌ها

إِحْيَاء: زنده کردن — دمیدن در آتش و آنرا شعله‌ور ساختن — شب رابعبادت گذرانیدن — شب زنده‌داری

أَصْحَاب: مفرد: صاحب = یار — پیرو — دوست مطیع

أَمَاكِن: مکان‌ها

إِخْلَاص: خالص کردن — ارادت صادق و خلوص نیت داشتن — بی‌غِلّ و غش گشتن — بی‌غِلّ و غش نمودن — در دوستی بی‌ریا بودن — نامیکی از سوره‌های قرآن

أَسْتَعْفِرُ اللَّهَ: از خدا آمرزش میطلبم

أَثْمَار: نتایج — میوه‌ها — نایده‌ها (مفرد: ثَمْر — جمع: ثَمَار — جَمْعُ الْجَمْع: أَثْمَار و ثَمْر)

إِتْسَاع: وسعت پیدا کردن

إِنْبِسَاط: شکفتگی — نشاط و سرور — ازهم باز شدن

أَفْلَاك: (مفرد: فَلَك: سیّهر، گردون — مدار ستارگان آسمان —

درفارسی به تشبیه بمعنای بلند و رفیع نیز مُصْطَلَح است)

أَلْبَهَاءُ عَلَيَّكَ: (بها: روشنی — زیبایی — جلال — درخشندگی)

وَأَلْبَهَاءُ عَلَيَّكَ: روشنی و جلال بر تو باد

بَحْرُ الْبَحُور: دریای دریاها — کنایه از مظهر امرالله است

بَلَد: شهر — اقلیم — خانه — زمین (جمع: بُلْدَان — بِلَاد)

بِتَمَامِهَا: بطور کامل — تماماً

بِأَسْرِهَا: بتمامی — بتمام و کمال

بِأَجْمَعِهَا: به‌تمامی و کمال

تَدَارُكُ مَافَات: جبران آنچه از دست رفته

تَخْمِين: برآورد کردن — وزن یا اندازه چیزی را از روی حدس و —

گمان معین کردن، بگمان سخن گفتن

تَضْمِين: در پناه خود درآوردن — تاوان و غرامت برعهده گرفتن

تَكْوِين: احداث کردن — ایجاد کردن — هستی — ایجاد

ثُرَيَّا: ستاره پروین که شامل چند ستاره کوچک است که در یکجا جمع

شده و بشکل یک ستاره دیده می‌شود — مَنْزِلِي از مَنْزِلِ ماه —

چهلچراغ

جانان: دلبر زیبا و بسیار دوست داشتنی، معشوقی که عاشقش اورا

مانند جان خود دوست دارد .

جَوْهَرُ الْجَوَاهِرِ : مظهر امرا لله که خلاصه عالم وجود است .

جلوس : نشستن

جِدَّ و جَهْد : کوشش کردن

جَمَالِ اَزَلِيّ : زیبایی ابدی و جاوید (حضرت بهاء الله)

حَرَم : جای امن - دامان - زوجه - مکان ممتنع و غیر قابل دسترس

مکان مقدّس - اهل و عیال و خانواده - محل اقامت اهل و

عیال

حُجُب : پرده ها (مفرد : حِجَاب)

خَصَائِص : مفرد : خَاصِّيَّة : طبیعت - خوی - اثر - فایده و اثر

چیزی

خَوْف : ترسیدن - بیمناک شدن

خَلَائِق : خَلَائِق : در اصطلاح یعنی مردم (مفرد : خَلِيقَه) طبیعت ها

سرشت ها - آفریدگان

خُطُور : به فکر رسیدن امری

خُشُوع : فروتنی - اطاعت و فرمانبرداری

خُضُوع : تواضع - فروتنی کردن

خُوان : سفره - میز غذاخوری

خُوان سالار : سردسته و بزرگتر کشاورزان یک ده - در اینجا اشاره

به مبدأ بركات است

دَم : خون (جمع : دِمَاء)

دَف : دائره زنگی (جمع : دَفُوف)

ذَاهِل : غفلت کننده - فراموشکار

ذَلِيل : حقیر، خوار

رُوحُ اَلْقُدُّس : فرشته حامل وحی - فیض الهی

رَأْفَت : مهربانی

رَوْضَةٌ كَهْنًا : گلستان سرسبز و خرم

رُوحُ اَلْوُجُودِ لِمَظْلُومِيَّةِ اَلْغَدَاة : روح عالم وجود فدای مظلومیت اوپاد

رَحْمَت : نام اسب رستم پهلوان داستانی ایران که هر اسب خوب و

قوی را به او تشبیه میکنند

زَعَم : گمان - خیال

زَرَاد خَانه : کارخانه اسلحه سازی

سِر : راز - قلب - امر پنهان - در اصطلاح عرفاء لطیفه ای است

د ر قلب

سَنَه سِتِّين : منظور سال ۱۲۶۰ هجری قمری است که سال ظهور

حضرت اعلی است .

سَوء : بدی - فساد - آفت - شَر (سوء تغذیه : بدی تغذیه)

شَبَاب : سن جوانی - آغاز زندگی

شَرَع : ایجاد راه و شریعت - آشکار ساختن حق و برانداختن باطل

شَعَف : در فارسی بمعنای شادمانی و خوشحالی و سرور قلبی نیز

مُصْطَلَح است - بشدّت شیفته بودن - دوست داشتن

شهناز : نام یکی از آهنگهای موسیقی ایرانی

صَوْن : حفظ و نگهداری

صِيَانَت : حفظ — نگهداری کردن — محافظت

صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ : درودهای پروردگار بر او باد

صَحَائِف "صُحُف" : (مفرد : صَحِيفَةٌ) رسائل، اوراق نوشته، کتابها

طَائِر : پرنده (جمع : طُيُور و اَطْيَار)

عُلُوِّيَّة : بلندی — بزرگواری، برتری،

عُمُرَان : آباد کردن — آبادانی — آبادی

عَبْطَه : آرزو بردن برحال کسی بدون آنکه زوال نعمت و خوشی او

را بخواهند

عِطَاء : پرده، پوشش

عَلْبَاء : باغ پردرخت — پرسبزه و پردرخت — تَلّ بزرگ

عَنَا : خرم، سرسبز

فُقَهَاء : علمای دین — دانایان به علم فقه (مفرد : فقیه)

قُدْس : پاکی — مُنَزّه بودن از لغزش

قُرُونِ اَوَّلِي : پنج قرن اولی میلادی

قُرُونِ وُسْطَى : ده قرن میلادی از پنجم تا پانزدهم

كُهْف : پناهگاه — غار — بزرگتر — مُعْتَمَد

كَائِنَات : موجودات — آنچه که هست

مَكْنُون : پوشیده

مَصُون : نگاهداری شده

مُسْتَوْجِب : واجب و لازم شعرده — مُسْتَحَق دانسته شده — سزاوار،

مستحق

مَظْهَر : محلّ ظهور — جای آشکار شدن

مَشِيَّت : اراده الهی — مَقَدَّر کردن چیزی از طرف خداوند — اراده

کردن

مُثَبِّتَه ، مُثَبِّت : اثبات کننده

مَعْدَلِك : با وجود این، با اینهمه

مَعَ كُلِّ ذَلِك : با همه آن

مَبْعُوْث : فرستاده شده — برانگیخته شده

مَعَارِج : مراتب عالیه — مقامات بلند (جمع : مِعْرَاج)

مُلَازِمِيْن : مفرد : مُلَازِم = همراه، کسیکه همیشه با کسی دیگر باشد

مَقَاصِد : مفرد : مَقْصَد = مطلوب — جایی که قصد و آهنگ آن کنند

مَآثِر : مفرد : مَأْثَرَة = بزرگواری موروثی که زبانزد مرد باشد . کارنیک

مُورَخ : متاریخ

مُحَقِّق : بحقیقت پیوسته، محکم و منظم، دُرست و استوار

مَفَاخِر : مفرد : مَفْخَرَة = آنچه مایه نخر باشد

مَاضِيَه : گذشته، زمان گذشته

مَشْرُوعَات : کارهای مفید — آنچه در شریعت تأسیس گردد

مَدَنِيَّة : آنچه باعث حُسْنِ نِظَامِ اجْتِمَاعِ بشری است

مُمَكِّنَات: مَخْلُوقَات، اِنْسَانِهَآ، چِيْزِهَآي مَمَكِن كِه صِلَاحِيَّت بُرُوْز و
ظُهْر دَاشْتِه بَاشَنْد - ضِدِّ مَحَالَات

مُوْجِد: اِيْجَاد كَنْفِده

مُحَرِّك: بِه حِرْكْت آوْرَنْدِه - بَرَانْگِيْزَانَنْدِه - تَحْرِيْكَ كَنْفِده

مُطْرِب: بِطْرَبِ آوْرَنْدِه - سَازَنْدِه يَآ خَوَآنَنْدِه، رَا مِشْكَر

مَخْمُور: سَكْرَان، مَسْت، بَادِه نُوْشِيْدِه وَا ز خُود بِيْخُود

مُتَآرَكِه: تَرْكَ كَرْدَن - مُصَالِحِه بِه تَرْكَ نَمُودَن - دَرْفِقِه وِعُورِفِ

فَآرِْسِي بِه طِلَاقِ وَجْدَانِي اَز هَمْسَرِنِيْز اِطْلَاقِ مِي شُود

مُعَاهَدَه: عَهْد وِپِيْمَان بَسْتَن، هَمْعَهْد شُدَن، قَرَارِ دَادِ سِيَاسِي يَآ

نِظَامِي يَآ فَرِهَنْگِي يَآ اِقْتِصَادِي بِيْنِ دُو يَآ چَنْد كِشُور

مُؤْتَق: مَحْكَم شُدِه، تَثْبِيْت شُدِه - اِسْتِوَارْگَرْدِيْدِه - مُورِدِ اِطْمِيْنَان،

مُورِدِ اِعْتِمَاد

نَفَاثَات: اِلْهَامَاتِ اِلْهِي (مُفْرِد: نَفْثَه)

نَاس: مُرِدْم، مُرِدْمَان، آدَمِي، آدَمِيَان

نِشَار: اِنْفِشَانْدَن، مِتَفَرِّقِ وِپَرَاكَنْدِه كَرْدَن، رِيْخْتَن وِپَآشِيْدَن، مَجَازَآ

دَرْ فَآرِْسِي بِه مَعْنِي نِدِ اِقْرَبَان، تَقْدِيْم، هِدْيِه وِپِيْشْكَش نِيْز

مُصْطَلَحِ اسْت.

نُجُوم: سِتَارْگَان (مُفْرِد: نَجْم)

نَجَاح: پِيْرُوْزي

اَعْلَامِ شَمَارِه ۴

مَكَّه: يَكِي اَز شَهْرِهَآي عَرَبِيْسْتَان اسْت كِه دَرْ جَنْوْبِ غَرْبِي اَن شِبْه جَزِيْرِه
وَاقِعِ اسْت. "كَعْبَه" مُسْلِمَانَان دَرْ اَن جَا قَرَارِ دَارْد. مَحَلِ نَزْوَلِ بَخْشِ
مِهْمِي اَز آيَاتِ قُرْآنِ مَجِيْدِ اسْت. مِهْمَتْرِيْنِ شَهْرِدِ رِتَارِيْخِ اِسْلَامِ
اسْت. حَضْرَتِ اَعْلِي بِه هَمْرَاهِي قُدُّوسِ بَاقُدُّومِ خُودِ بَارْدِ يَكْرَايْنِ شَهْرِ
رَا مُقَدِّمِ يَكِي اَز مَظَاهِرِ اِلْهِيّه نَمُودَنْد.

بِحَارِ اَلْاَنْوَارِ: نَامِ كِتَابِي اسْت دَرْ ۲ جُلْدِ بَعْرَبِي تَأْلِيْفِ مُحَمَّدِ بَاقِرِ
مَجْلِسِي (۱۰۳۷-۱۱۱۰) كِه تَقْرِيْبَآ كَلِيَهَآ حَادِيْثِ رِوَايْتِ شُدِه اَز
پِيْغَمْبَرِ اَكْرَمِ وَاثْمَهَآ طَهَّارِ دَرْ اَن جَمْعِ كَرْدِيْدِه وَا نَرَادِ اَثْرَآ مَعَارِفِ شِيْعَه
نَا مِيْدِه اَنْد. جُلْدِ سِيْزْدِهْمِ اَن دَرْ شَرْحِ حَالِ وَظُهْرِ حَضْرَتِ قَائِمِ،
اِمَامِ دَرْ وَا زْدِهْمِ اسْت.

تَفْسِيْرِ صَافِي: نَامِ بَزْرْگَتْرِيْنِ كِتَابِ تَفْسِيْرِ مَلَامِحْسِنِ نَيْضِ كَآشَانِي اسْت
كِه بِلِسَانِ عَرَبِي دَرْ ۱۰۷ قَمْرِي تَأْلِيْفِ شُدِه اسْت.

مُجِيْبِي الدِّيْنِ عَرَبِي: يَآ اِبْنِ عَرَبِي، اَبُو بَكْرِ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِي حَاتَمِي طَائِي
اَز اَعَاظِمِ اَعْلَمَآي صُوفِي مِتْوَلَّد. ۵۶ وُ مِتْوَتِي بَسَالِ ۳۸ هِجْرِي دَرْ
دِ مِشْقِ اسْت. اَز اَثَارِ مَشْهُورَا وِفُصُوصِ اَلْحِكْمِ وَفَتْوَحَاتِ مَكِّيّه اسْت.
اِيْقَان: اَز مِهْمَتْرِيْنِ اَثَارِ نَا زَلِهَآ اَز قَلَمِ اِلْهِي اسْت. اِيْنِ كِتَابِ مِبَارَكِ دَرْ
سَالِ ۱۲۷۸ (۱۸۶۲ مِيْلَادِي) دَرْ رِيَا سَخِ سِئَالَاتِ جَنْابِ سَيِّدِ مُحَمَّدِ

(حَالِ اَكْبَرِ حَضْرَتِ اَعْلِي) دَرْ رُطْنِي دَرْ وِشْبَانِه رُوْزِ عَزْزِ نَزْوَلِ يَآ فْتَهَ اسْت.

كِشُورِ رُوبِه تَوْسِعِه: كِشُورِي كِه اَز نِظَرِ تَعْلِيْمِ وَتَرْبِيْتِ، اَمُوزَشِ حَرْفِهَآي،
بِهْدِ اَشْتِ عُمُومِي، صَنْعَتِ وَكِشَاوَرِزِي نِيَا زَمَنْدِ سَرْمَآ يَه كَذَارِي كِشُورِهَآي
پِيْشْرَفْتِه اسْت.

کشورهای توسعه یافته: کشورهایی که از لحاظ اقتصادی پیشرفته اند و بعضاً د رحد کمک اقتصاد ی بد یگران نیز هستند. (با استفاده از لغتنامه انگلیسی) پروتستان: مؤسس این مذهب د رمسیحیت مارتین لوتر میباش د. وی اهل آلمان بود که قیام بمخالفت با بعضی از آداب و اعمال کلیسای کاتولیک رومی نمود و از جمله ۹۵ مورد مانند مخالفت با خرید و فروش اراضی بهشت، خرید و فروش آمرزش نامه، تبدیل نان و شراب به جسم و خون حضرت مسیح د رجسم هر خورنده، منع ترجمه و انتشار آزاد انجیل، اعلی بودن مرجعیت پاپ و غیره را نوشت و د رآخرا کتبر ۱۵۱۷ بد ر کلیسای ویتنبرگ نصب نمود. هر چند قبل از لوتر همزمان با او مصلحین د یگری د ر همین زمینه بوده اند اما لوتر را بنی انشعاب پروتستانی می شمرند مذاهب و شعبه های پروتستانی بسیار متعددند و خود مذهب لوتر حد ود ۸۰ میلیون پیرو د ر جهان دارد.

تفسیر مجمع البیان: از مؤلفات مهم ابوعلی فضل بن حسن د رد ه مجلد می باشد. وی ملقب به امین الدین و امین الاسلام علامه بزرگ د ر قرن ششم هجری بوده است. وفاتش بسال ۵۴۸ د ر سبزوار بود و ومد فنیش د ر شهر مشهد بسیار معروف است. از کتب مهمه د یگروی جوامع الجوامع، جواهر تاج الموالید و... می باشد. از علماء و مفسران بزرگی است که جمله ترقی اسلامی به فضلش اذعان دارند.

(نوزده هزار لغت - دائرة المعارف دانش بشر) بنی هیروشیما: نام شهری است د ر کشور ژاپن که د ر جریان جنگ جهانی دوم مورد هدف بمب اتمی قرار گرفت و منهدم گردید.

موسسه ملی مطبوعات امری

۱۳۱ بدیع